

A Re-examination of Burma's Foreign Relations with Iran and the Persian Gulf States

*Hamid Asadpour*¹
*Hossein Eskandari*²

A country's foreign relations with other nations are influenced by various political, economic, and cultural factors, and a multitude of elements can intervene in these relationships. Foreign policy actors, based on various considerations, prioritize certain factors over others; Burma's relations with the Persian Gulf states are no exception to this rule. Throughout history, the territory of Burma has maintained extensive relations with the Persian Gulf. In recent years, these connections with various countries in the region have been influenced by religious, political, and economic considerations. The present article aims to examine these relations and analyze the role of different factors in the engagement with Burma. It appears that Burma's proximity to two populous and significant countries like China and India, its lack of economic development, its historical precedent of relations with the Persian Gulf, the presence of Muslim groups in its territory, and the utilization of Burma's market and labor force by the economies of some Persian Gulf states, are among the important factors and contexts in Burma's relationship with the Persian Gulf. This research examines this relationship using a descriptive-analytical method and drawing upon various sources.

▪ **Keywords:**

Iran, Burma, Persian Gulf, Foreign Relations, Littoral States.

¹. Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Persian Gulf University, Bushehr, Iran (Corresponding Author). Asadpour@pgu.ac.ir

². History Researcher and Educator, Ministry of Education, Alborz, Karaj, Iran. hoes1355@gmail.com



باز کاوی روابط خارجی برمه با ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس

حمید اسدپور^۱

حسین اسکنداری^۲

چکیده

روابط خارجی هر کشور با کشورهای دیگر، تحت تأثیر عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و مجموعه‌ای از عوامل می‌توانند در روابط کشورها مداخله داشته باشند. کنشگران روابط خارجی با توجه به ملاحظات گوناگون، برخی از این عوامل را بر عوامل دیگر ترجیح می‌دهند؛ روابط برمه با کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز از این قاعده مستثنی نیست. سرزمین برمه در طول تاریخ، روابط گسترده‌ای با خلیج فارس داشته است و این ارتباطات در سال‌های اخیر با کشورهای مختلف این ناحیه تحت تأثیر ملاحظات مذهبی، سیاسی و اقتصادی قرار گرفته است. مقاله حاضر بر آن است که به بررسی این روابط پرداخته و نقش عوامل مختلف در ارتباط با برمه را تحلیل نماید. به نظر می‌رسد که همسایگی برمه با دو کشور پرجمعیت و مهم مانند چین و هند، عدم توسعه اقتصادی این کشور، پیشینه تاریخی ارتباط آن با خلیج فارس، وجود گروه‌های مسلمان در این سرزمین و بهره‌وری اقتصاد برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس از بازار و نیروی کار برمه از عوامل و زمینه‌های مهم در روابط برمه با خلیج فارس باشد. این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع مختلف به بررسی این رابطه پرداخته است.

واژگان کلیدی:

ایران، برمه، خلیج فارس، روابط خارجی، کشورهای حاشیه‌ای.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

^۱ گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر- ایران (نویسنده مسئول) Asadpour@pgu.ac.ir

^۲ پژوهشگر تاریخ و دبیر تاریخ وزارت آموزش و پرورش البرز، کرج- ایران hoes1355@gmail.com



مقدمه

کشور برمه در جنوب شرقی آسیا قرار دارد که از شمال غربی با بنگلادش و هند، از شمال و شمال شرقی با چین و از شرق و جنوب شرقی با لائوس و تایلند همسایه است و در جنوب غربی آن خلیج بنگال واقع شده است. بیش از ۸۷ درصد جمعیت این سرزمین را بوداییان، ۶ درصد مسیحی، ۴ درصد مسلمان و بقیه از دیگر آئین‌ها و ادیان هستند. برمه در گذشته جزئی از مستعمرات بریتانیا بود که در سال ۱۹۴۸ م. به استقلال رسید. قرار گرفتن این سرزمین در کنار خلیج بنگال و برخی از راه‌های مهم دریایی و همسایگی با دو قطب مهم اقتصادی و جمعیتی جهان یعنی هند و چین، باعث اهمیت این سرزمین از نظر جغرافیایی شده است. هر چند موقعیت جغرافیایی در روابط خارجی، هم می‌تواند به عنوان یک فرصت و هم به عنوان یک تهدید تلقی گردد؛ این موضوع بستگی به دیدگاه دولتمردان و طراحان روابط خارجی یک کشور و چگونگی استفاده از آن موقعیت دارد.

با توجه به این موقعیت ارزشمند برمه و نیاز هند و چین به منابع نفت و گاز خلیج فارس، برمه می‌تواند به عنوان شاهراهی برای انتقال نفت و گاز محسوب شود. این پژوهش در پی آن است که به این سؤالات پاسخ دهد که عوامل و زمینه‌های مهم در روابط میان برمه و کشورهای حاشیه خلیج فارس چیست؟ و همچنین در این روابط، کدام عوامل از اولویت بیشتری برخوردارند؟ به نظر می‌رسد که مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی در این روابط مؤثر باشند. موقعیت جغرافیایی برمه، اقتصاد توسعه‌نیافته و ضعیف این کشور، پیشینه تاریخی ارتباط آن با خلیج فارس، وجود گروه‌های مسلمان در این سرزمین از یک سو و از سوی دیگر بهره‌گیری از نیروی کار ارزان برمه، تلاش برخی کشورها برای سرمایه‌گذاری در این کشور و نقش برمه در تأمین و امنیت مواد غذایی برخی دول حاشیه خلیج فارس در آینده از عوامل و زمینه‌های مهم در روابط خارجی برمه با این کشورها به شمار می‌روند. هر چند برخی از این دولت‌ها مسائل سیاسی و اقتصادی و برخی دیگر مسائل فرهنگی و مذهبی را در اولویت این روابط قرار داده‌اند. در پژوهش حاضر ضمن بررسی این عوامل با توصیف روابط خارجی در سطوح مختلف، علل و گستره این سطوح نیز تبیین خواهد شد.

پیشینه پژوهش

ایران در دوره‌های مختلف تاریخ، مناسبات گسترده‌ای با شرق و جنوب شرقی آسیا داشته است. این روابط در دوره اسلامی و به‌ویژه پس از تأسیس حکومت صفوی گسترش دوچندانی در

ابعاد مختلف یافت که در دوره معاصر نیز تداوم داشته است. تاکنون تحقیقات گوناگونی از سوی پژوهشگران در مورد روابط شرق و جنوب‌شرقی آسیا با ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس انجام شده است و به برخی از جنبه‌های این مناسبات اشاره کرده‌اند. از جمله آنها محمدرضا بارانی (۱۳۹۴) است که در مقاله‌ای با عنوان: "بررسی نقش تشیع در گسترش اسلام در جنوب‌شرقی آسیا" به تأثیر برخی عناصر شیعی در گسترش اسلام در مجمع‌الجزایر مالایا توجه نموده است. محمدعلی ربانی (۱۳۸۶) در مقاله "محرم در برمه"، چگونگی برگزاری مراسم محرم در برمه را شرح داده است. فرد فون درمهدن (۱۳۸۷) در کتاب *دو دنیای اسلام* و سر توماس آرنولد (۱۳۵۸) در کتاب *تاریخ گسترش اسلام به چگونگی گسترش اسلام در مناطق جنوب‌شرقی آسیا* پرداخته‌اند. محمود طاهری (۱۳۸۰) در اثری با عنوان: *سفرهای دریایی مسلمانان در اقیانوس هند (۱۳۸۰)* و ام. بی. هوکر (۱۳۸۵) با کتاب *اسلام در جنوب‌شرق آسیا* از دیگر پژوهشگرانی هستند که سیر گسترش اسلام در جنوب‌شرقی آسیا را توصیف و تحلیل نموده‌اند. همچنین می‌توان به مقالاتی مانند پژوهش مهدی داوودی و مهرنوش اباذری (۱۳۹۷) با عنوان: "نسل‌کشی در میانمار" و علی پوریا (۱۳۷۹) با مقاله "اسلام در میانمار" اشاره نمود که وضعیت کنونی مسلمانان در برمه را مورد توجه قرار داده‌اند. هر چند این پژوهش‌ها به برخی از ابعاد روابط ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس با شرق و جنوب‌شرقی آسیا پرداخته‌اند، اما توجه چندانی به موضوع روابط با برمه نداشته‌اند و یا همه ابعاد آن را پوشش نداده‌اند. پژوهش حاضر با تمرکز بر ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به بررسی موضوع پرداخته و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

پیشینه تاریخی روابط خلیج فارس با سرزمین برمه

قرن‌ها پیش از ظهور اسلام، دریانوردان عرب، هندی و دیگر ملل در مسیر سفرهای تجاری خود به مناطق جنوب‌شرقی و شرق آسیا از طریق سواحل برمه وارد مناطق غربی چین می‌شدند و این امر باعث آشنایی مردمان غرب آسیا به ویژه ساکنان سواحل خلیج فارس با سرزمین برمه شده بود (ربانی، ۱۳۸۶: ۶۰). پس از ظهور اسلام نیز تجار مسلمان از مهم‌ترین گروه‌هایی بودند که در گسترش اسلام در جنوب‌شرقی آسیا و به‌ویژه سرزمین برمه نقش اساسی ایفاء نمودند. بازرگانان مسلمان تا مدت‌ها با سرزمین برمه و به ویژه ناحیه آراکان روابط تجاری داشتند و از طریق ازدواج با زنان برمه‌ای بر تحکیم موقعیت و جایگاه خود افزودند (آرنولد، ۱۳۵۸: ۲۶۶-۲۶۷). به واقع، دریانوردان مسلمان ضمن سفرهای تجاری به تبلیغ دین

اسلام نیز می‌پرداختند و با سکونت در سرزمین برمه، گسترش و توسعه اسلام را در جنوب شرقی آسیا تسریع کردند (مفضلی، ۱۳۷۳: ۳۷، ۲۹). همچنین باید گفت که اقامت این تجار در برمه به منظور برقراری روابط تجاری با چین نیز بسیار مؤثر بود.

آنچه که به لحاظ جغرافیایی در رشد اسلام در مناطق جنوب شرقی آسیا از جمله برمه تأثیرگذار بود، ورود اسلام به شبه قاره هند است. هندوستان به عنوان پل ارتباطی میان خلیج فارس و مناطق همجوار با این شبه قاره بود و زمینه مسلمان شدن مناطق وسیعی را در جنوب شرقی آسیا فراهم نمود (چاند، ۱۳۷۴: ۱۰۶). چنانکه پس از ورود اسلام به ایران، بسیاری از سپاهیان مسلمان به همراه تعدادی از علماء و حتی قضات راهی هند شدند؛ این افراد نقشی برجسته در نشر اسلام داشتند (Baoch, 1994: 27).

در دوره خلافت عباسی نیز خاندان‌هایی مانند برمکیان به مسئله هند و به ویژه فراگیری دانش از این سرزمین علاقه نشان دادند و حتی افرادی را جهت فراگیری علوم به هند فرستادند. این افراد ضمن فراگیری علوم هند و ترجمه آثار از سانسکریت به عربی، ارتباط بین خلیج فارس و هند را عمیق‌تر کردند (یاری، ۱۳۸۸: ۳۲).

هر اندازه که جریان مسلمان شدن در سرزمین شبه قاره هند و نواحی مجاور آن مانند برمه تقویت می‌شد، روابط تجاری مسلمانان با این مناطق نیز گسترش بیشتری می‌یافت، زیرا آشنایی هر چه بیشتر مردم این سرزمین‌ها با ویژگی‌های اخلاقی مسلمانان و احساس یگانگی و برادری که حاصل مسلمان شدن آنها بود، راه را برای فعالیت‌های تجاری مسلمانان به ویژه ساکنین و تجار سواحل خلیج فارس هموار می‌ساخت. چنانکه جواهر لعل نهرو به تأسیس پایگاه‌های متعدد توسط بازرگانان، سیاحان و مسافران مسلمان در سواحل هند، جزایر مالزی و نواحی اطراف آن اشاره دارد (نهرو، ۱۳۸۸: ۳۰۶). از سوی دیگر مسلمانانی که وارد این مناطق می‌شدند، هیچگونه انحصارطلبی در امر تجارت نداشتند و به دور اندیشه‌های غارتگرانه بودند که این مسئله سبب پیوند عمیق بین مسلمانان و بومیان در این مناطق می‌گردید. می‌توان گفت روندی که از دنیای باستان در ارتباط بین خلیج فارس و چین و وجود مناطقی به مانند برمه به عنوان یک واسطه وجود داشت، در دوره اسلامی نیز تداوم یافت و حتی اهمیت مناطقی مانند برمه و ایفای نقش واسطه‌ای آن بیشتر شد (فون‌درمهدن، ۱۳۷۸: ۲۳ و ۵۰).

افزون بر تجار، گروه‌هایی مانند صوفیان نیز به دلیل احترامی که نزد اقوام مختلف داشتند، نقشی مهم در نشر اسلام در برمه ایفاء کردند و در مواردی اسلام صوفیانه وارد این سرزمین گردید. (Alwis, 2009: 56). زیرا هم اندیشه‌های این صوفیان با تفکرات انزواطلبی در

جنوب شرقی و شرق آسیا هماهنگ بود و هم اینکه این اندیشه‌ها به دور از نظام‌ها و تفکرات کاستی و طبقاتی بود (حکمت، ۱۳۳۷: ۲۳۸)؛ همچنین اندیشه‌های صوفیانه مورد حمایت تعدادی از حکام نیز قرار گرفت، چنانکه برخی حکام مسلمان بنگال در این سرزمین و مناطق همجوار اقدام به ساختن خانقاه‌ها در کنار مساجد نمودند (آخوندزاده، ۱۳۶۵: ۱۷). تا پیش از سلطه بریتانیا بر هندوستان، هزاران مدرسه دینی و خانقاه به همراه زبان فارسی در هند و سپس در سرزمین‌هایی مانند برمه گسترش یافتند. (آخوندزاده، ۱۳۶۵: ۱۲۸ و ۵۰) نفوذ اسلام در برخی از مناطق برمه و نواحی همجوارش چنان بود که تلاش‌های استعمارگران برای جلوگیری از روند مسلمان شدن این نواحی نتیجه‌ای نداشت و حتی سعی کردند تا مانع از زیارت خانه خدا توسط مسلمانان این نواحی شوند (آرنولد، ۱۳۵۸، ۲۹۵). هر چند سلطه طولانی مدت استعمارگران و به‌ویژه انگلستان بر جنوب و جنوب شرق آسیا سبب گردید تا به مرور زمان و به‌خصوص در قرون معاصر، اندیشه‌ها و آداب اسلامی- ایرانی در برمه و اطراف آن رونق گذشته را نداشته باشد. پس باید گفت که تصوف، زبان فارسی و آموزه‌های شیعی از عناصر مهم فرهنگ اسلامی- ایرانی بود که وارد برمه شد و در روابط خارجی این کشور با برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس تأثیرگذار بود.

روابط فرهنگی ایران و سرزمین برمه

یکی از مسائل مهم در روابط خارجی ایران با برمه، مسائل فرهنگی به ویژه دینی بود و در این میان، مذهب تشیع از اهمیت زیادی برخوردار است. همانطور که اشاره شد، از گذشته‌های دور، تشیع که در ایران نفوذ و گسترش یافته بود، وارد هندوستان و سپس جنوب شرقی آسیا گردید. از دوره صفوی و به دلیل ارتباط سلسله‌های شیعه‌مذهبی مانند قطب‌شاهیان با صفویان، فرهنگ شیعی وارد برخی از نواحی هندوستان شد. چنانکه «از جانب سلاطین عظام دکن علی‌الخصوص نظام شاه والی احمدآباد و قطب شاه والی کلکته و حیدرآباد که دعوی محبت و ولای خاندان حیدر کرار نموده، خود را شیعه ائمه اطهار صلوات الله الملک الجبار شمردند و علی عادلشاه و والی بیجاپور مکرراً ایلچیان سخندان فرستاده، اظهار عقیدت و اخلاص نموده و اینکه در ممالک ایشان خطبه اثنی‌عشری به نام نامی و القاب سامی آن حضرت خوانده می‌نمودند» (ترکمان، ۱۳۹۰: ۱۵۷) طی سال‌های حکومت صفوی، بارها حکام شیعه‌مذهب هند افرادی را به دربار صفوی فرستادند و حتی از سادات به عنوان نمایندگان خود در این امر بهره گرفتند. چنانکه عادل‌شاهیان، میرخلیل از سادات خراسان را که در آن زمان در هند

زندگی می‌کرد، به عنوان سفیر خود در سال ۱۰۲۳ق. راهی دربار شاه عباس نمودند (ترکمان، ۱۳۹۰: ۱۰۶۵). هر چند بیش از این نیز حکامی مانند بابر به نام دوازده امام سکه ضرب کرده، خطبه خوانده بودند. (ریاض‌الاسلام، ۱۳۷۳: ۲۸۶).

در این دوره حتی عاشورخانه‌هایی در ناحیه دکن ساخته شد و در دوره‌های بعدی بناهایی مانند عزاخانه حضرت زهرا (س) برپا شد که بیانگر نفوذ فرهنگ شیعی در این سرزمین است (کرمی، ۱۳۷۳: ۱۲۳، ۱۰۲، ۸۵). با وجود ارتباط این ناحیه با جنوب شرقی آسیا، به تدریج فرهنگ شیعی به همراه زبان فارسی وارد مناطقی مانند برمه و نواحی اطراف آن شد. چنانکه محمدربیع بن محمدابراهیم که در سال ۱۰۹۸ق. به این مناطق در قالب یک هیئت ایرانی اعزام شده بود، عنوان می‌کند که پادشاهان در مناطق جنوب شرقی آسیا «مقرر داشته‌اند که هر سال که مردم مسلمان به رویه و کیش خویش تعزیه دارند و در جنب خانه خود بتخانه‌ای را شکسته، مسجد و فضائی ساخت، مقرر داشتند که آنچه فرش و اسباب شربت و شمع با چراغ و مایحتاجی که در کار باشد با مبالغی نقد از سرکار هر ساله به ایشان بدهند و لهذا مردم ایران در این نواحی به تعزیه مشغول گردیدند» (محمدربیع، ۱۳۵۶: ۷۵). وی همچنین بیان کرده است که در دستگاه برخی پادشاهان در جنوب شرقی آسیا مانند سیام، وزیر و بسیاری از ملازمان و تجار ایرانی بوده‌اند (محمدربیع، ۱۳۵۶: ۶۷-۶۶).

در سرزمین برمه نیز به مانند شبه قاره هند و با وجود مسافرت‌های فراوان ایرانیان به ویژه تجار، خانواده‌هایی مانند شیرازی، اصفهانی، کازرونی، بهبهانی، خراسانی و مازندرانی مدت‌ها در رانگون، مندلی و دیگر نقاط برمه زندگی می‌کردند. این خانواده‌ها از عوامل اساسی در گسترش تشیع و زبان فارسی در برمه بودند؛ چنانکه آثار ارزشمندی مانند کیمیای سعادت امام محمد غزالی و گلستان و بوستان سعدی در این سرزمین مورد توجه قرار گرفت (ربانی، ۱۳۸۶: ۶۲). زبان فارسی تا مدت‌ها، زبان رسمی دربار آراکان در برمه بود. پنجه مسجد در این منطقه یادآور نفوذ ایرانیان است و حتی تا مدت‌ها مقابر زیادی با نام‌های ایرانی در برمه وجود داشت (بارانی، ۱۳۹۴: ۲۶۹). نفوذ فرهنگ شیعی و ایرانی در برمه چنان بود که مراسم عاشورا در این کشور با شور و شوق زیادی برپا می‌شد و این مراسم مورد احترام بسیاری از مردم برمه قرار گرفته بود (Azva, 2009: 34). در دوره معاصر نیز این روند تداوم یافت، چنانکه خاندان آل مذکور پس از آنکه قدرت خود را در دوره ناصرالدین شاه از دست دادند، به برمه رفتند و در خدمت انگلیسی‌ها قرار گرفتند (مظفری‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۰۰)، زیرا تجار در بوشهر و به شکل کلی در ایالت فارس نسبت به برخی اجحافات و زیاده‌طلبی‌های آل مذکور معترض بودند (وثوقی،

۱۳۹۰: ۴۳۶). آل مذکور از جمله خاندان‌های قدرتمند و محلی در جنوب ایران و در بندر بوشهر به‌شمار می‌رفتند که از عمان به بوشهر مهاجرت کرده بودند (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱۴۲۱). این خاندان در دوره افشاریه به تدریج قدرت یافتند و در دوره زندیه بر نفوذ و قدرت خود افزودند. آنها پس از قتل نادر شاه به برکناری شهبندر یا همان ریاست کل گمرک بوشهر اقدام کردند و بر امور اقتصادی این بندر مهم سلطه یافتند (اسدپور، ۱۳۸۷: ۳۴۸). در دوره زندیه مناسبات بین آل مذکور و کریم خان زند گسترش یافت، زیرا این خاندان در نبردها و کشمکش‌های میان زندیه و قاجاریه از خاندان زندیه حمایت نمودند. همچنین کریم خان به دنبال گسترش تجارت در خلیج فارس بود و آل مذکور هم برای کسب درآمد بیشتر نیازمند امنیت پس‌کرانه‌های خلیج فارس بودند که توسط کریم خان تأمین می‌شد. اهمیت خاندان آل مذکور برای کریم خان چنان بود که خان زند به شیخ نصر اول، حاکم بوشهر از خاندان آل مذکور لقب دریابگی اعطاء کرد (گرمون، ۱۳۷۸: ۵۲). کریم خان می‌توانست از قدرت ناوگان دریایی آل مذکور در خلیج فارس نیز بهره گیرد. حال با توجه به این پیشینه درخشان آل مذکور در امور سیاسی، اقتصادی و نظامی، آنها می‌توانستند کمک شایانی به انگلیسی‌ها داشته باشند، پس این خاندان در امور کنسولی، سیاسی و اقتصادی در خدمت انگلیسی‌ها درآمدند.

در دوره ناصرالدین شاه هیئتی نیز از سوی حکام برمه به دربار قاجار آمدند. اعتضادالسلطنه در کتاب خود با عنوان *مقالات فخری* اشاره می‌کند که آنها از ماچین آمدند و مذهبی نزدیک به بودایی داشتند (اعتضادالسلطنه، ۱۲۹۱: ۵۹). آنان پس از ۲۰ روز اقامت در تهران و دریافت نشان‌هایی از ناصرالدین شاه و از راه خلیج فارس عازم برمه شدند. چنانکه روزنامه ایران اشاره کرده است که «وزیرمختار و ایلچی دولت بیرمان با اتباع خود به حضور انور مقدس خسروانه مشرف گردیده مرخصی حاصل نموده که به اوطان خود معاودت نمایند و مورد کمال مرحمت شاهنشاهی واقع شدند و نشان‌ها و حمایل به آنها اعطا شد و زیب بر دوش خود کرده بودند. بعد از اظهار کمال امتنان از توقف چند هفته خود در پایتخت ایران از راه بصره و خلیج فارس روانه شدند» (روزنامه ایران، پنجم شوال ۱۲۹۱: ش ۲۳۶). این روابط پس از آن به دلیل نفوذ استعمار انگلیس در برمه گسترش چندانی نیافت.

تأثیر و نفوذ فرهنگ ایران و شیعی تا مدت‌ها در برمه تداوم یافت و این مسئله از عوامل مهم در ارتباط بین ایران و برمه بوده است و این اشتراکات، زمینه را برای ارتباطات در دیگر مسائل خارجی فراهم ساخته بود. چنانکه اشاره شد؛ از دوره صفویه، تشیع در شرق و جنوب‌شرقی آسیا گسترش یافت. هر چند تا پیش از صفویه و به‌ویژه در دوره آل بویه

گروه‌هایی از تشیع به این مناطق مهاجرت کرده بودند (اقبال، ۱۳۸۵: ۱۸-۱۶). با توجه به اینکه از دوره مغول به بعد تشیع در ایران گسترش زیادی یافته بود و در دوره صفوی مذهب رسمی ایران و از نمادهای اساسی فرهنگ ایران گردید، به عنوان نقطه‌ای اساسی در روابط خارجی بین ایران و دیگر سرزمین‌ها مورد توجه بود. ضمن اینکه ارتباطات تجاری بازرگانان شیعه‌مذهب ایرانی با سرزمین برمه و توجه حکومت‌ها به این روابط تجاری در تقویت مناسبات سیاسی نیز تأثیرگذار بود. در سال ۱۹۰۹ م. گروهی از جوانان شیعه در رانگون "اتحادیه جوانان ایرانی" را تشکیل دادند که هدف آنها هماهنگی برای فعالیت شیعیان بود و بعدها به "اتحادیه ایرانیان" تغییر نام داد. در سال ۱۹۳۵ م این اتحادیه به باشگاه ایرانیان معروف شد و زبان فارسی در آنجا تدریس می‌گردید. هدف این اتحادیه هماهنگی و تمرکز فعالیت ایرانیان در رانگون بود و دیری نپائید که تعداد کثیری از ایرانیان رانگون به عضویت اتحادیه مزبور در آمدند و نام آن به باشگاه ایرانیان تغییر یافت. در اتحادیه ایرانیان، کلاس‌هایی برای تدریس زبان فارسی و بررسی وقایع ایران دایر بود و حتی کمک‌هایی از سوی این اتحادیه به جمعیت سابق شیروخورشید سرخ ایران اعطاء می‌شد و اعضای اتحادیه ایرانیان به صورت مادام‌العمر به عضویت اتحادیه درمی‌آمدند. هر چند کودتای ۱۹۶۲ م. در برمه، این فعالیت‌ها را کم‌رنگ نمود. (مفضلی، ۱۳۷۳: ۱۵۹-۱۵۸). باید اذعان کرد که فرهنگ شیعی و ایرانی عاملی مهم در روابط ایران و برمه بود. در این روابط، نقش فرهنگ بسیار اثرگذار بود و هم‌اکنون جمهوری اسلامی ایران با توجه به آرمان‌های خود، دفاع از حقوق مسلمانان در برمه را در روابط خارجی با این کشور، مهم و اساسی می‌داند و تلاش داشته است که تا ضمن روابط اقتصادی و سیاسی که به آن اشاره خواهد شد، به مسئله مذهبی و اشتراکات فرهنگی با تأکید بر پیشینه تاریخی آنان توجه داشته باشد.

روابط سیاسی و اقتصادی ایران و سرزمین برمه

از زمان سلطه استعمارگران بر برمه و اهمیت این منطقه برای دول استعمارگر از یک سو و از سوی دیگر گسترش نفوذ آنان در خلیج فارس، روابط سیاسی و اقتصادی میان ایران و برمه افزایش یافت. از جمله موضوعات مهم در این ارتباط، مسئله نفت است. کشف نفت و اهمیت آن برای انگلستان به‌ویژه در زمینه نیروی دریایی سبب توجه هر چه بیشتر این دولت به ایران شد. پس از آنکه داری، امتیاز نفت را از حکومت قاجار اخذ کرد، دولت انگلیس جهت منافع فراوانی که از نفت ایران می‌توانست به دست آورد، تلاش خود را در راستای اخذ امتیاز نفتی از داری به کار بست. نیروی دریایی انگلیس نیز مشوق شرکت نفت در خرید سهام نفت ایران

بود و قائم مقام شرکت نفت برمه، چهارچوب کلی شرکت نفت ایران و انگلیس را طرح ریزی نمود (یرگین، ۱۳۷۳: ۱۸۲).

پس از مدتی، دولت انگلیس حقوق و امتیازات قرارداد داری را به دست آورد و به واقع داری حقوق و امتیازات خود را به شرکت نفت برمه واگذار کرد و این شرکت مسئولیت‌ها و وظایف داری را در ایران به عهده گرفت (علم، ۱۳۷۷: ۳۶). اهمیت منابع نفت ایران برای انگلیسی‌ها چنان بود که اعضای هیئت مدیره شرکت نفت برمه و شرکت نفت ایران و انگلیس در جلسه افتتاح شرکت نفت ایران و انگلیس، خرسندی و رضایت خود را از به دست آوردن یکی از غنی ترین میدان‌های نفتی جهان ابراز داشتند و رئیس شرکت از مساعدت‌های بازرشی که از سوی وزارت امور خارجه و کنسول بریتانیا در ایران به عمل آمد، قدردانی نمود (ساتن، ۱۳۷۲: ۳۰).

یکی از مشکلات مهم انگلیس در زمینه نفت ایران، انتقال نفت از مسجد سلیمان به سواحل خلیج فارس و به‌ویژه آبادان بود. فقدان راه‌های شوسه مناسب و نبود وسایل نقلیه کافی، این عمل را با مشکلاتی مواجه ساخته بود (ویلسن، ۱۳۴۷: ۱۵۲). همچنین نیاز به کارگران و نیروی متخصص جهت ساخت پالایشگاه آبادان بود. سپس نمونه‌هایی از نفت خام ایران در برمه برای پالایش مورد بررسی قرار گرفت و پس از تأیید آن، جهت ساخت پالایشگاه در ایران، جلی اسپی^۱ و پسرش که از مهندسين شرکت برمه بودند، طراحی پالایشگاه را به عهده گرفتند (حسن نیا، ۱۳۹۰: ۵۱۴). در زمینه امور نفتی و لوله‌گذاری و ساخت پالایشگاه شرکت نفت، بسیاری از کارگران را از مناطقی مانند هند و به‌ویژه برمه وارد ایران کردند که این امر موجب اعتراض دولتمردان ایرانی قرار گرفت (اتحادیه و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۵)، از جمله در زمینه ساخت پالایشگاه آبادان، کارگرانی از برمه آورده شدند که تجربه ساخت پالایشگاه را در شهر رانگون در برمه داشتند (موحد، ۱۳۹۴: ۷۲). در این میان، اختلافات فرهنگی میان کارگران خارجی از جمله هندی‌ها با ایرانیان، باعث ایجاد مشکلاتی شده بود (عباس‌شهنی، ۱۳۷۴: ۱۲۰)؛ اما به نظر می‌رسد که کارگران مسلمان برمه‌ای کمتر دچار مشکلاتی شده باشند. ساخت مسجد رنگونی در آبادان که با معماری جنوب‌شرقی آسیا و شبه قاره هند بود، دلیلی بر این مدعاست. این کارگران در محله‌های خاصی اقامت داده شدند و در بخش‌های مختلفی مانند حمل و نقل، ساخت پالایشگاه، مهندسی بندرگاه و امور دفتری فعالیت می‌کردند (اتابکی، ۱۳۹۵: ۲۱).

این وضعیت در دوره رضا شاه نیز تداوم یافت، با این تفاوت که مستخدمین غیرفنی از میان اتباع ایرانی انتخاب می‌شدند و در مواردی که نیاز به امور فنی بود، معمولاً از کارگران خارجی

^۱ A. Gillespie

به‌ویژه برمه‌ای‌ها بهره می‌گرفتند (اداره کل آرشیو و اسناد و موزه دفتر ریاست جمهوری، ۱۳۷۸: ۴۲۷). بخش عمده کارگران در زمینه امور فنی نفت، کارگران خارجی مانند برمه‌ای‌ها بودند و حتی مسئولیت‌هایی مانند امور آشپزی هم به آنان سپرده می‌شد و تنها معدود ایرانیانی به عنوان منشی استخدام می‌شدند که اندکی زبان انگلیسی می‌دانستند (فاتح، ۱۳۸۴: ۴۲۸).

مشابهت‌های آب‌وهوایی برمه با نواحی جنوبی ایران مانند آبادان نیز در استخدام کارگران برمه‌ای تأثیر فراوانی داشت. هر چند که اکثر این کارگران برمه‌ای استخدام‌شده از مسلمانان اهل سنت بودند، اما به هر حال اشتراکات دینی فراوانی با جامعه شیعی مذهب خوزستان داشتند. آنان با ساخت مسجدی جداگانه برای خود در آبادان، اندک چالش‌هایی هم که ممکن بود برایشان از زندگی در ایران ایجاد شود را از بین بردند و این کار سبب پیشرفت امور آنها می‌شد. مسجد رنگونی در آبادان محلی برای عبادت کارگران مسلمان از اقوام مختلفی مانند هندی، بنگالی و پاکستانی به همراه برمه‌ای‌ها گردید و این مسجد در فروردین ماه ۱۳۰۸ ش. در فهرست آثار تاریخی کشور ثبت شد.

نقش نیروهای برمه‌ای در پلیس جنوب

بخش دیگری از مسائل مربوط به روابط ایران و برمه در موضوع پلیس جنوب ایران است. در اواخر دوره قاجار، دولت انگلیس تلاش کرد تا با سرپرستی سر پرسلی سایکس^۱ نیرویی در جنوب ایران جهت حفظ منافع خود ایجاد کند، زیرا دولت انگلیس احساس می‌کرد که منافع سیاسی و اقتصادی این دولت‌ها در کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس در معرض خطر جدی قرار گرفته است. همچنین انگلیسی‌ها تصور می‌کردند که روسیه از طریق راه‌های زمینی و دریایی، نقشه‌های خود را در مورد تسلط بر هندوستان در سر می‌پروراند، پس سعی نمود تا حضور خود را در جنوب ایران تقویت کند (سفیری، ۱۳۶۴: ۲۶). به همین جهت، پلیس جنوب تشکیل شد که تعداد نفرات این نیرو بین سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۱ م. به طور پیوسته در حال افزایش بود و به طور میانگین، شش هزار نفر بودند. بخشی از این نیروها ایرانی و تعدادی هم نیروهای خارجی بودند و تعدادی از نفرات پیاده‌نظام این نیرو را سربازان برمه‌ای تشکیل می‌دادند (سفیری، ۱۳۶۴: ۱۸۵). در اواخر سال ۱۹۱۷ م. نیروهای پلیس جنوب که در شیراز مستقر بودند، تقریباً هزار و هفتصد نفر بودند که شامل دسته‌های آتشبار کوهستانی، نیروهای بلوچ و به‌ویژه سوارکاران برمه‌ای بودند. (مابرلی، ۱۳۶۹: ۳۳۹).

^۱. Sir Percy Sykes

تأسیس کشور برمه و روابط با خلیج فارس

پس از تشکیل کشور برمه در سال ۱۹۴۸م. که از زیر سلطه بریتانیا خارج شده بود، روابط این کشور با کشورهای حاشیه خلیج فارس مانند ایران شکل تازه‌ای به خود گرفت. در سال ۱۳۴۷ش. سفیر ایران در دهلی‌نو به عنوان سفیر آگردیته در رانگون معرفی شد و امور مربوط به روابط میان ایران و برمه را نیز انجام می‌داد. همچنین سفیر برمه در پاکستان نیز عنوان سفیر آگردیته در تهران را داشت و حکومت پهلوی در دوره محمدرضا شاه سعی در گسترش روابط خود با برمه داشت (مفضلی، ۱۳۷۳: ۱۵۸). در سال ۱۳۵۰ش. نیز ژنرال نی‌وین^۱ که چند سال پیش از آن در ۱۹۶۲م. با کودتایی نظامی در برمه به قدرت رسیده بود، از ایران دیدار کرد و مذاکرات او با سران حکومت ایران بر محور گسترش روابط دو کشور استوار بود. نی‌وین کشور را با نظام تک‌حزبی اداره می‌کرد که حکومت او تا ۱۹۸۸م. ادامه داشت. نوع اداره کشور با نظام تک‌حزبی مشابه حکومت محمدرضا شاه بود و این مشابهت بر گسترش مناسبات او با ایران تأثیرگذار بود. ژنرال نی‌وین طی سفر خود به ایران در مورد مسائل اقتصادی به ویژه در زمینه خرید و فروش نفت و مشتقات آن نیز با مقامات ایرانی گفتگو داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز این روابط تداوم یافت و در سال ۱۳۶۲ش. بار دیگر سفیر ایران در دهلی‌نو، سفیر آگردیته در برمه بود. همچنین در سال ۱۳۶۳ش. هیئت اقتصادی ایرانی از برمه دیدار کردند و از مهم‌ترین برنامه‌های آنان تهیه برنج از این کشور بود، هر چند پس از کودتای ۱۹۸۸م. در برمه، این روابط گسترش چندانی نیافت (مفضلی، ۱۳۷۳: ۱۶۰-۱۵۹). بر اساس گزارش‌های ایسکانیوز در دهه اخیر و به‌ویژه شش ماهه اول سال ۱۳۹۶ش. ارزش صادرات ایران به برمه بیش از ۲۲ میلیون دلار بوده است که عمدتاً شامل سیمان، قیر، دارو و برخی مواد معدنی است (ایسکانیوز، ۱۳۹۶/۶/۲۸). این رقم هر چند بیانگر ارتباط تجاری و اقتصادی میان دو کشور است، اما در برابر روابط تجاری بسیاری از کشورهای مسلمان با برمه بسیار ناچیز است.

روابط سیاسی و اقتصادی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با برمه

سرزمین‌های حاشیه خلیج فارس از دیرباز جزئی از قلمرو ایران بوده‌اند و یا مناسبات گسترده‌ای با ایران داشته‌اند. این مناسبات در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بوده است و به همین دلیل امروزه نیز می‌توانند با تکیه بر این گذشته تاریخی به همکاری‌های

^۱. Ne Win

متعددی پدیدازند و به‌ویژه در مناسبات با شرق و جنوب‌شرقی آسیا مانند برمه، اهداف و منافع مشترکی را پیگیری کنند. از گذشته‌های دور بسیاری از تجار و مبلغان عرب به نواحی جنوب‌شرقی و شرق آسیا رفتند و با اقامت در این مناطق به گسترش اسلام پرداختند. بازرگانان مبلغ عرب‌تبار نیز ضمن انجام امور بازرگانی خود به تبلیغ عقاید و اندیشه‌های اسلامی می‌پرداختند. گذراندن فصل‌هایی که در آن باران‌های موسمی بود و اقامت طولانی‌مدت این تجار مبلغ عرب و حتی ازدواج با بومیان، گسترش اسلام را در برمه تسریع می‌کرد. بنا بر این، می‌توان گفت که اعراب از قرون گذشته با سرزمین برمه در ارتباط بوده‌اند. با خروج انگلیسی‌ها از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱م. روند تأسیس کشورهای عربی در این منطقه آغاز شد و انگلیسی‌ها دلیل خروج خود از این منطقه را صرفه‌جویی در هزینه نظامی عنوان کردند (جناب، ۴۳۸: ۱۳۴۹). کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بنا بر دلایل سیاسی و اقتصادی در پی گسترش روابط خود با کشورهای جنوب‌شرقی آسیا مانند برمه هستند. وجود نیروی کار ارزان، عدم رشد اقتصادی برمه و فرصت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری در زمینه‌های اقتصادی و حتی گردشگری، باعث توجه این کشورها به توسعه روابط با برمه گردیده است. همچنین زمینه‌های نسبی مذهبی مشترک به همراه پیشینه تاریخی نیز در این امر مؤثر بود. وجود اقلیت مسلمان در برمه و ازدواج‌های افراد متعدد در طول تاریخ از سرزمین‌های عربی با زنان برمه‌ای از جمله زمینه‌های مشترک میان برمه و این کشورهای عربی است (Gause, 2009: 1).

با وجود چنین زمینه‌های مشترک، اختلافاتی نیز به ظاهر مشاهده می‌شود که از آن جمله موضوع سرکوب و کشتار مسلمانان در برمه است. هر چند کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و به طور کلی شورای همکاری خلیج فارس، مسائل اقتصادی را بر مسائل مذهبی ترجیح داده‌اند و خواهان توسعه روابط با برمه هستند. در مورد موضوع کشتار مسلمانان در برمه نیز تنها به محکوم کردن اقدامات برمه، بدون پرداختن به اقدامات عملی اکتفاء نموده‌اند.

مسئله دیگر در امور سیاسی، عدم دموکراسی در برمه است که از این حیث، شکل و نوع حکومت آنان، تقریباً مشابه این کشورهای عربی است و بهتر می‌توانند ارتباطات سیاسی برقرار نمایند. این دول عربی طی دهه‌های اخیر، ضمن ازدواج‌هایی که اتباع آنان با زنان برمه‌ای داشتند، سعی نمودند تا با اولویت بخشیدن به موضوعات سیاسی و اقتصادی در برابر مسائل مذهبی، موقعیت خود را برای سرمایه‌گذاری در برمه تقویت کنند (Gause, 2009: 10). چنانکه عربستان سعودی جهت پیشبرد برنامه‌هایش برای حفظ موقعیت سیاسی و اقتصادی خود و

حل برخی از مشکلاتی که جهت این کشور در منطقه خلیج فارس ایجاد شده است، به دنبال یافتن کشورهایی متحد و همراه با خود در مناطق دیگر است تا دایره نفوذش را گسترش دهد. ایجاد انقلابات در کشورهای عربی نیز مزید بر علت شده است تا دول عرب حاشیه خلیج فارس به دنبال یافتن پایگاه‌های جدید برای خود و سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها باشند. به همین دلیل، روابط این کشورها با برمه طی سال‌های اخیر توسعه یافته است و سفارتخانه‌های خود را در این کشور افتتاح نموده‌اند. برخی از این دولت‌ها مانند کویت حتی تعهد کرده‌اند تا بخشی از حقوق دیپلمات‌های برمه‌ای را در این کشورها پرداخت کنند (Seznec, 2009: 48).

ترجیح دادن موضوعات اقتصادی و سیاسی به مسائل مذهبی در روابط اعراب و برمه چنان است که در زمانی که سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای علیه برمه به دلیل نقض حقوق بشر صادر کرد و سعی در ترغیب برمه به انجام اصلاحات دموکراتیک داشت، نماینده قطر در سازمان ملل از رأی دادن به این قطعنامه خودداری کرد و این مسئله را جزئی از مشکلات داخلی یک کشور برشمرد که نیاز به دخالت سازمان ملل متحد در مورد آن نیست. به رغم آنکه بارها کشورهای مختلف، موضوع مشکلات حقوق بشر در برمه را در شورای امنیت مطرح کرده‌اند، اما هر بار مخالفت کشورهایی مانند روسیه و چین و همراهی کشورهایی مانند قطر با مخالفان باعث شده است که رأی لازم در ارتباط با محکوم نمودن برمه به دست نیاید (امیدزمانی، ۱۳۸۸: ۲۲۸).

هر چند دول عربی در جهت گسترش روابط خود با برمه و سرمایه‌گذاری در این کشور می‌بایست مواظب باشند تا منافع آنان با چین تلاقی نیابد و موجب اختلافات آنان شود. زیرا این کشورها در همان حال که در اندیشه سرمایه‌گذاری در برمه هستند، تلاش دارند تا روابط خود را با چین نیز حفظ کرده و توسعه دهند. همچنین چین از جمله قدرت‌هایی است که سعی در سرمایه‌گذاری عظیم در برمه دارد (Seznec, 2009: 43).

مسئله مهم در روابط اعراب و برمه، توجه به موضوع اقتصاد است. وجود بازارهای ارزشمند در جنوب شرقی آسیا مانند برمه و عدم توسعه این کشور فرصتی ارزشمند برای سرمایه‌گذاری اعراب فراهم کرده است. از یک سو، کشورهای عربی به دلیل وضعیت جغرافیایی خاص آنها و ضعفشان در تأمین مواد غذایی به اندازه کافی، در پی تأمین امنیت غذایی خود نیز هستند. زیرا چنانکه برخی راه‌های ارتباطی آنان در خلیج فارس با چالش‌هایی مواجه شود، مشکلات اساسی برای آنان در تأمین مواد غذایی به وجود خواهد آمد. از سوی دیگر، با تجربه‌ای که از انقلابات در کشورهای عربی دارند، سعی در ایجاد رفاه در زمینه‌های مختلف برای اتباع خود دارند. برمه با داشتن اقتصاد کشاورزی و روستایی در صورت حمایت و سرمایه‌گذاری می‌تواند

منطقه‌ای مناسب جهت تأمین بخشی از مواد غذایی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس باشد و همچنین این اقتصاد می‌تواند بازاری برای صادرات کالاهایی مانند کودهای شیمیایی از دول عرب به برمه باشد (Fleocy, 2012: 40). اهمیت این موضوع برای دول عرب در دهه اخیر چنان است که به ارائه آموزش‌های اولیه و لازم و رایگان به کشاورزان برمه‌ای اقدام کرده‌اند (Seznec, 2009: 46).

موضوع دیگر در روابط اقتصادی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با برمه آن است که برخی از این کشورها به دنبال یافتن مسیری مطمئن برای صدور نفت و گاز خود به شرق آسیا هستند. چنانکه کشور چین با داشتن جمعیت بسیار زیاد و ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اقتصادی فراوان به عنوان بازاری مهم برای صادرات نفت و گاز این کشورها هست و کشورهایی مانند عربستان سعودی و قطر سعی دارند تا از طریق برمه به صادرات نفت و گاز خود به چین اقدام کنند (Seznec, 2012: 53).

ضعف برمه در زیرساخت‌های الکتریکی و الکترونیکی نیز این فرصت را جهت سرمایه‌گذاری در اختیار اعراب قرار داده است. سرمایه‌گذاری شرکت نیروژی اردو^۱ به همراه شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران قطری در زمینه مخابراتی در برمه، نمونه‌ای از این سرمایه‌گذاری‌ها است. سرمایه‌گذاری‌های این شرکت در برمه از عظیم‌ترین نمونه فعالیت‌های اقتصادی اعراب در این کشور است، چنانکه تلاش شرکت‌های چینی در جهت رقابت با این شرکت نیروژی-قطری به جایی نرسید و این شرکت اطمینان یافته است که به سرعت سود خود را از قبل این سرمایه‌گذاری به دست خواهد آورد (Montlake, 2013: 8).

در دهه اخیر، توافقنامه‌هایی نیز در زمینه حمل‌ونقل هوایی میان قطر و برمه بسته شده است و چشم‌انداز آنها توسعه این روابط است. شرکت هواپیمایی قطر سعی دارد تا در زمینه حمل‌ونقل هوایی به سرمایه‌گذاری فراوانی در برمه دست بزند. همچنین دولت قطر در زمینه‌های دیگری مانند شیلات، دام و توسعه اقتصاد روستایی نیز قراردادهایی را با برمه امضاء نموده است (www.napyidaw.embassy. qa , 2018).

از دیگر موضوعات اقتصادی، استفاده از نیروی کار ارزان برمه در کشورهای عربی مانند عربستان سعودی، قطر و به‌ویژه امارات متحده عربی است. اقتصاد ضعیف برمه و گسترش بیکاری در این کشور از یک سو و بالعکس نیاز کشورهای عربی به کارگران ارزان قیمت زمینه‌ای را فراهم نموده است تا نیروی کار فراوانی از برمه راهی این کشورها شوند. به رغم آنکه شرایط کاری مطلوب و مناسبی در این کشورها وجود ندارد، باز هم هر روز بر تعداد این

^۱. oredoo

کارگران در جهان عرب افزوده می‌شود (Htut, 2011: 29). دولت امارات متحده عربی جهت بهره بردن از این نیروها و تحکیم هر چه بیشتر روابط خود با برمه، اقدام به ارسال کمک‌هایی به برمه به‌ویژه در زمینه پزشکی در سال ۲۰۲۰م. نمود (www.mofaic.gor.ac.10/11/2020). طی سال‌های اخیر، کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به همراه دولت‌های مسلمان دیگر مانند اندونزی، مالزی، پاکستان، ترکیه و مصر نقشی مهم در اقتصاد برمه ایفاء کرده‌اند و این کشورها در حال گسترش آن هستند. چنانکه صادرات عربستان به برمه در سال ۲۰۱۶م. نود و شش میلیون و یکصد و چهار هزار دلار و واردات آن کشور از برمه، نوزده هزار و هفتصد و بیست و پنج میلیون دلار بود. همچنین صادرات امارات متحده عربی به برمه در این سال، یکصد و چهل و هشت میلیون و پانصد و هشت هزار دلار و واردات آن کشور از برمه نیز تقریباً مشابه صادراتش بود (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۶، ۲۷ شهریور).

نتیجه‌گیری

کشور برمه به دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب و ارزشمند در جنوب شرقی آسیا و همسایگی با دول چین و هند، ضعف زیرساخت‌های اقتصادی و داشتن پیشینه تاریخی که حکایت از ارتباطات گسترده این سرزمین با خلیج فارس دارد، مورد توجه کشورهای حاشیه خلیج فارس قرار گرفته است. عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به همراه این پیشینه تاریخی، در روابط این کشورها با برمه تأثیرگذار است.

روابط برمه با ایران، تحت تأثیر مسائل فرهنگی از جمله مذهبی و زبان فارسی قرار دارد. وجود گروه‌های مسلمان به‌ویژه شیعه مذهب در برمه، مناسبات تاریخی ایرانیان با این سرزمین به همراه نقش عوامل تجاری و اقتصادی از عوامل و زمینه‌های مهم در روابط ایران با برمه هستند. از گذشته‌های دور تجار ایرانی به ویژه از مناطق مرکزی، کرانه‌ها و پس کرانه‌های خلیج فارس ارتباط بازرگانی گسترده‌ای با سرزمین برمه داشتند. آنها ضمن روابط تجاری، پیوندهای خانوادگی با مردمان سرزمین برمه برقرار کردند و همچنین مبلغان فرهنگ و تمدن اسلامی در این سرزمین بودند. ارتباطات گسترده تجاری آنها که به دور از انحصارطلبی بود، مورد توجه حکام برمه قرار گرفت و زمینه‌ساز توسعه مناسبات سیاسی حکام این سرزمین با ایران گردید. این ارتباطات پیش از استقلال کشور برمه وجود داشته است؛ چنانکه هیئتی از این سرزمین حتی در دربار قاجار نیز حضور یافتند و مورد لطف و عنایت دربار قاجار قرار گرفتند. با ورود استعمار انگلیس به این سرزمین، ارتباطات ایران و برمه در جهات دیگری تداوم یافت. از آن جمله

می‌توان به حضور نیروهایی از برمه در پلیس جنوب اشاره کرد که به مقابله با نهضت‌های ضد استعماری در جنوب ایران می‌پرداختند. فعالیت‌های فرهنگی ایرانیان در برمه نیز در قالب تشکلهایی مانند اتحادیه ایرانیان تداوم یافت. در دوره پهلوی، نیروهایی از برمه در تأسیس و توسعه امور مربوط به نفت و به‌ویژه در احداث پالایشگاه نفت آبادان به ایفای نقش پرداختند. پس از استقلال این کشور، در دوره حکومت پهلوی و سپس جمهوری اسلامی نیز روابط سیاسی و اقتصادی بین دو کشور ایران و برمه تداوم یافته است. در دوره پهلوی دوم مقاماتی از برمه با سفر به ایران سعی در توسعه مناسبات خود با ایران داشتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌هایی از مردم برمه به‌ویژه مسلمانان آنجا، تحت‌تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفتند.

روابط برمه با سرزمین‌های عربی حاشیه خلیج فارس نیز پیشینه‌ای طولانی دارد. قرن‌ها پیش از تشکیل دول عربی در حاشیه خلیج فارس، بازرگانان و مبلغان عرب، فعالیت گسترده‌ای در سرزمین برمه داشتند. با خروج انگلیسی‌ها از خلیج فارس و تشکیل دول عربی در این منطقه، روابط برمه با این دول به ویژه در سال‌های اخیر گسترش یافت که مبتنی بر مسائل سیاسی و به طور عمده اقتصادی است؛ به واقع این دولت‌ها، اقتصاد را در اولویت اساسی روابط خود با برمه قرار داده‌اند. اقتصاد ضعیف و عمدتاً روستایی برمه ضمن آنکه فرصت‌های لازم را برای سرمایه‌گذاری اعراب در برمه فراهم کرده است، می‌تواند به عنوان منبعی برای تأمین مواد غذایی این کشورها و ایجاد امنیت نسبی در زمینه امور غذایی برای آنان تلقی گردد. همچنین برمه به عنوان پل و واسطه‌ای جهت انتقال و صدور نفت و گاز این کشورها به جنوب‌شرق و شرق آسیا محسوب می‌شود. از سوی دیگر اقتصاد ضعیف برمه می‌تواند بخشی از نیروی کار ارزان، جهت سرمایه‌گذاری‌های اعراب فراهم کند. هر چند این سرمایه‌گذاری اعراب با خطراتی مانند بی‌ثباتی و کودتاهای مختلف در برمه و تحریکات احساسات مذهبی بوداییان همراه است؛ زیرا سرمایه‌گذاری نیازمند آرامش و ثبات طولانی مدت است. دول عربی سعی دارند جهت غلبه بر این خطرات از موضوعات فرهنگی و آموزشی بهره‌گیرند و با اعطای بورس‌های تحصیلی به دانشجویان برمه‌ای و فراهم کردن زمینه و امکانات برای تحصیلات آنان در دانشگاه‌های عربی، آنان را با برنامه‌های خود هماهنگ سازند و از این جوانان در سرمایه‌گذاری‌های خود در برمه سود جویند. همچنین با سرمایه‌گذاری‌های فراوان در زمینه گردشگری و آشنایی هر چه بیشتر مردم برمه با این کشورها، احساسات مذهبی بودایی را علیه خود کاهش دهند. به هر روی به رغم حمایت ظاهری دول عرب از اقلیت مسلمان تحت فشار در برمه، اولویت آنان در روابط با برمه، مسائل اقتصادی است.

منابع و مأخذ

فارسی:

- آخوندزاده، محمد مهدی، ۱۳۶۵، تجزیه شبه قاره هند و استقلال بنگلادش، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- آرنولد، سر توماس، ۱۳۵۸، تاریخ گسترش اسلام، ترجمه: ابوالفضل عزتی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اتابکی، تورج، ۱۳۹۵، تجدد آمرانه: جامعه و دولت در عصر رضا شاه، ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
- اتحادیه، منصوره، اسماعیل شمس و سعید روحی (به‌کوشش)، ۱۳۹۴، نفت چپاسرخ کرمانشاه، منتخبی از اسناد حکومتی عبدالحسین میرزا فرمانفرما، تهران: نشر تاریخ ایران.
- اداره کل آرشیو و اسناد و موزه دفتر ریاست‌جمهوری (تهیه و تنظیم)، ۱۳۷۸، نفت در دوره رضا شاه (اسنادی از تجدیدنظر در امتیازنامه داری)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اسدپور، حمید، ۱۳۸۷، تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا، ۱۲۹۱، مقالات فخری، نسخه خطی، ش ۳۶۶۱، تهران: کتابخانه ملک.
- اقبال، حمد ظفر، ۱۳۸۵، «تأثیر زبان و ادبیات فارسی و زبان و فرهنگ ایرانی در زبان و ادبیات و فرهنگ اندونزی» رساله دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- امیدزمانی، محسن، "وضعیت حقوق بشر در میانمار و نحوه ارجاع پرونده آن به شورای امنیت"، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها - وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸، ش ۲۲۹.
- بارانی، محمدرضا، "بررسی نقش تشیع در ورود و گسترش اسلام به آسیای جنوب‌شرقی"، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، ۱۳۹۴، س ۱۳، ش ۵۰.
- پوریا، علی، "اسلام در میانمار"، مجله فرهنگ کوثر، ۱۳۷۹، ش ۳۷.
- ترکمان، اسکندر بیگ، ۱۳۹۰، تاریخ عالم آرای عباسی، به‌تصحیح: فرید مرادی، تهران: نشر نگاه.
- جناب، محمدعلی، ۱۳۴۹، خلیج فارس و آشنایی با امارات آن، تهران: شریعت و شرق.
- چاند، تارا، ۱۳۷۴، تأثیر اسلام در فرهنگ هند، ترجمه: عزالدین عثمانی، تهران: نشر پازنگ.
- حسن‌نیا، محمد، "اوضاع مناطق نفت‌خیز ایران از کشف نفت تا تشکیل شرکت نفت ایران و انگلیس"، پیام بهارستان، ۱۳۹۰، س ۴، ش ۱۳.
- حسینی‌فسایی، میرزا حسن، ۱۳۶۷، فارس‌نامه ناصری، به‌تصحیح: منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- حکمت، علی‌اصغر، ۱۳۳۷، سرزمین هند، تهران: دانشگاه تهران.
- داوودی، مهدی و مهرنوش ابادری، «نسل‌کشی در میانمار از منظر حقوق بشر»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر، ۱۳۹۷، س ۷، ش ۱۴.
- ربانی، محمدعلی، "محرم در برمه"، کیهان فرهنگی، ۱۳۸۶، ش ۲۵۷.
- ریاض‌الاسلام، ۱۳۷۳، تاریخ روابط ایران و هند در دوره صفویه و افشاریه، ترجمه: محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری، تهران: امیرکبیر.
- ساتن، ال، ۱۳۷۲، نفت ایران، ترجمه: رضا رئیسی‌طوسی، تهران: صابرین.

سعیداللهی، امیر، "اولین هیأت سیاسی برمه در دربار قاجار"، فصلنامه تاریخ روابط خارجی وزارت امور خارجه، زمستان ۱۳۸۱، ش ۱۳.

سفیری، فلوریدا، ۱۳۶۴، پلیس جنوب ایران، ترجمه: منصوره اتحادیه (نظام‌مافی)، تهران: نشر تاریخ ایران. طاهری، محمود، ۱۳۸۰، سفرهای دریایی مسلمانان در اقیانوس هند، مشهد: آستان قدس رضوی.

عباس‌شهنی، دانش، ۱۳۷۴، تاریخ مسجد سلیمان (تاریخ تحولات صنعت نفت)، تهران: نشر هیرمند.

فاتح، مصطفی، ۱۳۸۴، پنجاه سال نفت ایران، تهران: نشر علم.

فون‌درمهدن، فرد، ۱۳۷۸، دو دنیای اسلام: روابط جنوب‌شرقی آسیا و خاورمیانه، ترجمه: محمود اسماعیل‌نیا، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

کرمی، مجتبی، ۱۳۷۳، نگاهی به تاریخ حیدرآباد دکن، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

گرمون، استفان‌رای، ۱۳۷۸، چالش برای ثروت و قدرت در جنوب ایران، ترجمه: حسن زنگنه، قم: همسایه.

مابری، فردریک جیمز، ۱۳۶۹، عملیات در ایران «جنگ جهانی اول»، ترجمه: کاوه بیات، تهران: خدمات فرهنگی رسا.

محمدریغ بن محمدابراهیم، ۱۳۵۶، سفینه سلیمانی، به‌تصحیح: عباس فاروقی، تهران: نشر دانشگاه تهران.

مفضلی، حسین، ۱۳۷۳، میانمار، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

موحد، محمدعلی، ۱۳۹۴، خواب آشفته نفت، تهران: نشر کارنامه.

نهر، جواهر لعل، ۱۳۸۸، نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه: محمود تفضلی، تهران: امیرکبیر.

وئوقی، محمدباقر، ۱۳۹۰، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، تهران: سمت.

ویلسون، آرنولد، ۱۳۹۰، سفرنامه ویلسون، ترجمه: حسین سعادت‌نوری، تهران: نشر وحید.

مظفری‌زاده، علیرضا، ۱۳۹۵، تاریخ خاندان آل مذکور، تهران: صفحه سفید.

هوکر، ام. بی، ۱۳۸۵، اسلام در جنوب شرق آسیا، ترجمه: محمد حیدرپور، مشهد: آستان قدس رضوی.

یاری، سیاوش، ۱۳۸۸، تاریخ اسلام در هند از آغاز تا قرن پنجم هجری، قم: نشر ادیان.

یرگین، دانیل، ۱۳۷۳، نفت، پول، قدرت، ترجمه: منوچهر غیبی ارطه‌ای، تهران: انتشارات شرکت ملی نفت ایران.

نشریات:

روزنامه ایران با مدیریت: محمدحسن اعتمادالسلطنه، پنجم شوال ۱۲۹۱، ش ۲۳۶.

وب سایت‌ها:

ایسکانیوز، ۱۳۹۶، صادرات ایران به میانمار، ۱۳۹۶/۶/۲۸-۸۳۸۳۲۹ (https://www.iscanews.ir/news)

خبرگزاری مهر، ۱۳۹۶، سهم کشورهای مسلمان در تجارت خارجی میانمار، ۱۳۹۶/۶/۲۷ (https://armaneghtesadi.com).

لاتین:

Alwis, Shihab, 2009, Tasawwuf in Indonesia, Jakarta, uin Suka.

Azra, Azyumardi, 2009, Discourse on Sufism in Malaya- Indonesia world in the 17t and 18 t centuries Jakarta uin.

Blaoch, Nabi Bakhsh, 1994, The Diwan of Abu Ata of sind in Islamic culture.

Foly, Sean, 2012, Re-Orientalizing the Gulf: GCC and Southeast Asia Middle East Policy no.4 Middle East Policy: Winter2012.

Gause, Gregory F. 2009, *The International Relations of the Persian Gulf*, Cambridge University Press.

Htut, Ye Linn, 2001, "Workers stranded in Saudi Arabia " *Myanmar Times* newspaper: Aug, 29.

Montlake, Simon, 2013, "Myanmar To Grant Wireless Licenses To Norway's Telenor, Qatar Telecom."

<https://www.forbes.com/sites/simonmontlake/2013/6/27/myanmar-to-grant-wireless-licenses-to-norways-telenor-qatar-telecom/>

Seznec, Jean Jean-Francois, 2009, Energy and trade Relation Between China and Saudi Arabia: A Continuing Evolution, The National Bureau of Asian Research: NBR Conference Report.

Seznec, Jean Jean-Francois, 2012, Politics of oil supply Ch4: Handbook of oil politics, Routledge International London.

www.mofaic.gor.ac.10/11/2020.

www.napyidaw.embassy.qa , 2018.

